

## سوره طه (۲۰)

مکی و شامل یکصد و سی و پنج آیه  
به نام خداوند بخشنده مهربان

طه. (۱)

قرآن را بر تو نازل نکردیم که به زحمت بیافتی. (۲)

قرآن فقط تذکری برای کسی است که از خدا می‌ترسد. (۳)

از جانب وجودی نازل شده که زمین و آسمان‌های بلند را خلق کرده. (۴)

خداوند رحمان بر عرش قرار گرفته. (۵)

هر چه در آسمان‌ها و زمین و بین آن‌ها و زیر زمین است مال او است. (۶)

اگر بلند حرف بزنی، او راز پنهان و مخفی‌تر از آن را می‌داند. (۷)

**خدا، معبودی (کسی که انسان بنده او شود و در مقابلش احساس یا ابراز کوچکی کند و از**

**فرمانش بدون چون و چرا اطاعت نماید) غیر از او وجود ندارد. اسم‌های نیکویی دارد. (۸)**

آیا داستان موسی برای تو آمده؟ (۹)

وقتی آتشی دید و به خانواده‌اش گفت: اندکی بمانید، من آتشی می‌بینم، شاید گل آتشی برای شما

بیاورم یا در کنار آن راهنمایی پیدا کنم. (۱۰)

چون نزدیک آتش آمد، ندا داده شد که ای موسی، (۱۱)

من خدای تو هستم، کفشت را در آر، تو در سرزمین مقدس طوی هستی. (۱۲)

و من تو را انتخاب کرده‌ام، پس به آنچه به تو وحی می‌شود گوش کن. (۱۳)

من خدا هستم، معبودی غیر از من وجود ندارد. پس مرا بندگی کن و نماز را برای به یاد داشتن

من بر پا دار. (۱۴)

قیامت خواهد آمد. می‌خواهم وقت آن را مخفی کنم تا به هر کس جزای کارهایی که می‌کند داده

شود. (۱۵)

کسی که به آن ایمان ندارد و دنبال هوس خود می‌رود، تو را از توجه به آن باز ندارد، چون آن

وقت هلاک خواهی شد. (۱۶)

ای موسی، این که در دست راست تو است چیست؟ (۱۷)

موسی گفت: این عصای من است، بر آن تکیه می‌کنم و با آن برای گوسفندانم برگ درختان را

می‌ریزم. استفاده‌های دیگری هم از آن می‌کنم. (۱۸)

خدا گفت: ای موسی آن را بیانداز. (۱۹)

تا موسی آن را انداخت، مار بزرگی شد که به سرعت حرکت می‌کرد. (۲۰)

خدا گفت: آن را بگیر و نترس، آن را به حالت اولش درمی‌آوریم. (۲۱)

و دستت را توی گریبان کن، بدون این که مرضی داشته باشد سفید بیرون می‌آوری. این آیه

(نشانه و معجزه) دیگری است. (۲۲)

برای این که از آیات (معجزات) بزرگ خودمان مقداری به تو نشان دهیم. (۲۳)

پیش فرعون برو، چون او طغیان کرده. (۲۴)

موسی گفت: خداوندا به من حوصله بده، (۲۵)

و کار مرا آسان نما، (۲۶)

گره از زبانم بگشا، (۲۷)

تا حرفم را بفهمند. (۲۸)

و از خانواده‌ام برادرم هارون را دستیار من ساز. (۲۹ و ۳۰)

پشت مرا به‌وسیله او محکم کن. (۳۱)

او را در کار من شریک کن، (۳۲)

تا تو را زیاد ستایش کنیم، (۳۳)

و تو را زیاد یاد کنیم، (۳۴)

چون تو نسبت به ما بینایی. (۳۵)

خدا گفت: آنچه خواستی به تو داده شد. (۳۶)

و ما بار دیگر بر تو منت نهادیم. (۳۷)

وقتی به مادرت آنچه وحی شد، وحی کردیم. (۳۸)

که او را در صندوقی بگذار و آن را در دریا بیانداز تا دریا آن را به ساحل اندازد و دشمن من و دشمن او آن را بگیرد. و محبت خودم را بر تو افکنم تا زیر نظر من ساخته شوی. (۳۹)

وقتی که خواهرت پیش آن‌ها رفت و به آن‌ها گفت: آیا کسی را به شما معرفی بکنم که از او نگهداری کند؟ در نتیجه تو را به مادرت برگردانیم تا چشمش به تو روشن شود و غصه نخورد، و کسی را کشتی و ما تو را از غم نجات دادیم، و تو را به انواع مختلف امتحان کردیم، و سال‌هایی بین مردم مدین ماندی، بعد در زمان مقرر آمدی. (۴۰)

من تو را برای خودم ساختم. (۴۱)

تو و برادرت آیات (معجزات) مرا ببین و در یادکردن من کوتاهی نکنید. (۴۲)

پیش فرعون بروید، چون او طغیان کرده است. (۴۳) و با او به نرمی صحبت کنید، شاید متوجه شود یا بترسد. (۴۴)

گفتند: خداوندا، ما می‌ترسیم بر ما پیشدستی یا طغیان کند. (۴۵)

خدا گفت: نترسید، من با شما هستم، می‌شنوم و می‌بینم. (۴۶)

پیش او بروید و بگویید: ما فرستادگان صاحب‌اختیار تو هستیم، بنی‌اسرائیل را با ما بفرست و آن‌ها را عذاب نکن. ما برای تو معجزه‌ای از طرف صاحب‌اختیارت آورده‌ایم. سلام بر کسی که از راهنمایی پیروی کند. (۴۷)

به ما وحی شده که عذاب شامل کسی می‌شود که منکر شود و سرپیچی کند. (۴۸)

فرعون گفت: ای موسی، صاحب‌اختیار شما کیست؟ (۴۹)

موسی گفت: صاحب‌اختیار ما کسی است که به هر چیزی خلقت آن را عطا کرده و بعد آن را هدایت کرده. (۵۰)

فرعون گفت: وضع نسل‌های گذشته چه می‌شود؟ (۵۱)

موسی گفت: علم آن در کتابی پیش خدای من است، خدای من اشتباه و فراموش نمی‌کند. (۵۲)  
او وجودی است که زمین را محل آسایش شما ساخته و در آن راه‌هایی بوجود آورده و از آسمان باران را نازل کرده و به‌وسیله آن انواع گیاهان را بوجود آورده‌ایم. (۵۳)

خودتان از آن بخورید و حیوانات خود را در آن بچرانید. در این مطلب نشانه‌هایی برای افراد عاقل وجود دارد. (۵۴)

شما را از زمین خلق کردیم و به آن برمی‌گردانیم و بار دیگر شما را از آن بیرون می‌آوریم. (۵۵)

تمام آیاتمان را به فرعون نشان دادیم، ولی او منکر آن‌ها شد و قبول نکرد. (۵۶)

و گفت: ای موسی، آیا آمده‌ای که با سحر خود ما را از سرزمین خودمان بیرون کنی؟ (۵۷)  
ما هم سحری مثل سحر تو برایت می‌آوریم. وقتی و جایی صاف و هموار بین ما و خودت برای آن تعیین کن که ما و تو از آن تخلف نکنیم. (۵۸)

گفت: وقت آن روز جشن باشد، به شرط این‌که مردم قبل از ظهر جمع شوند. (۵۹)

فرعون رفت و نقشه‌های خود را کشید، بعد آمد. (۶۰)

موسی به ساحران گفت: وای بر شما، بر خدا به دروغ افترا نزنید که خدا شما را با عذابی نابود می‌کند. هر که افترا بزند در کار خود نومید می‌شود. (۶۱)

ساحران بین خود به بگومگو پرداختند و آهسته با هم صحبت کردند. (۶۲)

گفتند: این دو تا ساحرند و می‌خواهند با سحر خود شما را از سرزمین خودتان بیرون کنند و دین عالی شما را از بین ببرند. (۶۳)

طرح‌هایی را که کشیده‌اید یکی کنید و در يك صف به مبارزه برخیزید. امروز هر کسی که غلبه کند موفق است. (۶۴)

گفتند: ای موسی، تو اول می‌اندازی یا اول ما بیانداریم؟ (۶۵)

موسی گفت: شما بیاندارید. وقتی آن‌ها طناب‌ها و عصاهای خود را انداختند، با جادویی که کرده بودند به نظر موسی رسید که آن‌ها با سرعت راه می‌روند. (۶۶)

موسی در دلش احساس ترس کرد. (۶۷)

گفتیم: نترس تو پیروزی. (۶۸)

آنچه در دست راست تو است بیانداز تا هر چه درست کرده‌اند ببلعد. کاری که کرده‌اند کار ساحر است و ساحر هر جا برود موفق نمی‌شود. (۶۹)

ساحر‌ها به سجده افتادند و گفتند: به خدای هارون و موسی ایمان آوردیم. (۷۰)

فرعون به آن‌ها گفت: آیا قبل از این‌که به شما اجازه بدهم به او ایمان آوردید؟ او استاد شما است که به شما سحر یاد داده است. دست و پایتان را بر خلاف هم می‌برم و شما را بر تنه درخت خرما

دار می‌زنم و خواهید دانست که عذاب کدامیک از ما شدیدتر و طولانی‌تر است. (۷۱)

جادوگرها گفتند: هرگز تو را بر دلیل‌های روشنی که برای ما آمده و بر کسی که ما را آفریده

ترجیح نمی‌دهیم. هر کاری می‌خواهی بکن. تو فقط در زندگی دنیا حکم می‌کنی. (۷۲)

ما به خدایمان ایمان آورده‌ایم تا اشتباه ما و جادویی را که ما را به آن مجبور کردی بیامرزد. خدا بهتر و ماندنی‌تر است. (۷۳)

هر کس که گناهکار پیش خدایش بیاید، جهنم سزاوار او است. در آن نه می‌میرد و نه زنده می‌ماند. (۷۴)

کسانی که با ایمان پیش خدا بیایند و کار صحیح انجام داده باشند درجات عالی دارند. (۷۵)  
بهشت‌های جاودانی که نهرها در آن روان است و همیشه در آن خواهند بود. این پاداش کسی

است که پاك بوده است. (۷۶)

ما به موسی وحی کردیم که بندگان مرا موقع شب حرکت بده و راه خشکی برای آن‌ها در دریا باز کن. نه از این‌که فرعون به تو برسد بترس، نه از غرق شدن. (۷۷)

فرعون با لشکریانش آن‌ها را تعقیب کردند. دریا آن‌ها را در خود غرق کرد. (۷۸)  
فرعون قوم خود را گمراه کرد و هدایت نکرد. (۷۹)

ای بنی‌اسرائیل، ما شما را از دست دشمنان نجات دادیم و در طرف راست کوه طور با شما قرار گذاشتیم و «من و سلوی» (دو نوع خوردنی) را برای شما فرستادیم. (۸۰)

از خوردنی‌های پاک‌ی که روزی شما کرده‌ایم بخورید و در آن طغیان نکنید، چون غضب من بر شما نازل می‌شود و هر کس مورد غضب من قرار گیرد نابود می‌شود. (۸۱)

من کسی را که توبه کند و ایمان بیاورد و کار صحیح بکند و در راه صحیح بماند می‌آمرزم. (۸۲)  
و گفتیم: ای موسی، چه چیز باعث شد که قبل از قومت پیش ما بیایی؟ (۸۳)

موسی گفت: قوم من دنبال من هستند. خداوند، من برای آمدن پیش تو عجله کردم تا از من راضی شوی. (۸۴)

خدا گفت: ما بعد از تو قومت را امتحان کردیم و سامری آن‌ها را گمراه کرد. (۸۵)

موسی خشمگین و اندوهناک پیش قوم خود برگشت و گفت: ای قوم من، آیا خدایتان به شما وعده خوبی نداده بود؟ آیا مدت جدا بودن من از شما طولانی شد؟ یا خواستید که غضب خدایتان بر شما

نازل شود که از وعده من تخلف کردید؟ (۸۶)

گفتند: با میل خود از وعده تو تخلف نکردیم. ولی مقداری از وسایل زینتی که از قوم فرعون داشتیم، انداختیم و سامری هم انداخت. (۸۷)

و سامری برای آن‌ها مجسمه گوساله‌ای ساخت که صدای گوساله داشت و گفتند: این معبود شما و معبود موسی است که موسی آن را فراموش کرده بود. (۸۸)

آیا نمی‌بینند که گوساله جوابی به آن‌ها نمی‌دهد و نفع و ضرری برای آن‌ها ندارد؟ (۸۹)

در صورتی که هارون قبلاً به آن‌ها گفته بود که ای قوم من، شما به وسیله آن امتحان شده‌اید و خدای شما خداوند رحمان است. از من پیروی کنید و از فرمان من اطاعت کنید. (۹۰)

گفتند: تا موسی برگردد ما آن را عبادت می‌کنیم. (۹۱)

موسی گفت: ای هارون، چه چیز از تو جلوگیری کرد که وقتی آن‌ها گمراه شدند از من پیروی نکنی؟ آیا از فرمان من سرپیچی کردی؟ (۹۲ و ۹۳)

هارون گفت: ای فرزند مادرم، ریش و موی سرم را نگیر. من ترسیدم بگویی که بین بنی‌اسرائیل تفرقه افکندی و مراقب دستور من نبودی. (۹۴)

موسی به سامری گفت: این چه کاری است که کردی؟ (۹۵)

سامری گفت: من چیزی دیدم که آن‌ها ندیدند. بنابراین من يك مشت از اثر پای رسول گرفتم و در آن انداختم، دلم این کار را برای من خوب جلوه داد. (۹۶)

موسی به او گفت: برو، جزای تو این است که تا زنده‌ای به مردم بگویی که به من نزدیک نشوید، و برای تو قراری است که از آن تخلف نمی‌شود. به معبود خودت که وقتت را صرف عبادتش

کردی، نگاه کن که آن را می‌سوزانیم و توی دریا می‌پاشیم. (۹۷)

معبود شما (کسی که در مقابلش احساس و ابراز کوچکی کنید و بدون چون و چرا از دستورها و

نظرهای او پیروی کنید) فقط خداست که معبودی جز او وجود ندارد و همه چیز را می‌داند. (۹۸)  
ما بدین طریق آنچه را که صورت گرفته بود برای تو می‌گوییم، و قرآن را از طرف خودمان به تو دادیم. (۹۹)

کسانی که از آن روگردان شوند، روز قیامت بار گناه خود را حمل می‌کنند. (۱۰۰)  
همیشه در آن می‌مانند. روز قیامت بار بدی را با خود حمل می‌کنند. (۱۰۱)  
روزی که در صور دمیده شود، گناهکاران را با چشم کبود جمع می‌کنیم. (۱۰۲)  
آهسته با هم صحبت می‌کنند و می‌گویند: فقط ده روز در قبر ماندید. (۱۰۳)  
ما آنچه را می‌گویند بهتر از همه می‌دانیم. وقتی آن کس که بهتر از همه نظر می‌دهد، می‌گوید که فقط يك روز در قبر ماندید. (۱۰۴)

درباره کوه‌ها از تو سؤال می‌کنند، بگو: خدای من آن‌ها را از هم می‌پاشد، (۱۰۵)  
و زمین را صاف و هموار می‌سازد، (۱۰۶)

به طوری که هیچ کجی و برجستگی در آن نمی‌بینی. (۱۰۷)  
روزی که بدون کوچک‌ترین سرپیچی از دعوت‌کننده پیروی می‌کنند، و صداها به خاطر خداوند رحمان پایین می‌آید، و فقط صدای آهسته‌ای می‌شنوی. (۱۰۸)  
در آن روز شفاعت سود ندارد مگر از کسی که خدا به او اجازه دهد و به حرف‌زدنش راضی باشد. (۱۰۹)

آنچه در جلوی آن‌ها و آنچه پشت سرشان است می‌داند، ولی آن‌ها به علم خدا احاطه‌ای ندارند. (۱۱۰)

صورت‌ها در آن روز در مقابل خدای زنده و جاوید خاضع می‌شود، و آن‌که ظلم کرده از لطف خدا ناامید می‌شود. (۱۱۱)

و کسی که کار صحیح می‌کند و ایمان دارد، از این‌که به او ظلمی شود و پاداشش از بین برود، نمی‌ترسد. (۱۱۲)

ما این‌طور به تو قرآنی به زبان عربی نازل کردیم و در آن انواع هشدارها را دادیم، شاید از نافرمانی و عذاب خدا بترسند یا برای آن‌ها توجهی بوجود آورد. (۱۱۳)  
فرمانروای حقیقی خداست که والا و برتر است. قبل از این‌که وحی قرآن تمام شود، در خواندن آن عجله نکن و بگو: خدایا علم مرا زیاد کن. (۱۱۴)

ما قبلاً با آدم عهد بستیم. او عهد و پیمان خود را فراموش کرد و ما او را صاحب اراده نیافتیم. (۱۱۵)

وقتی را یادآوری کن که به فرشتگان گفتیم: به آدم سجده کنید. همه سجده کردند، غیر از شیطان که از سجده کردن خودداری کرد. (۱۱۶)

ما گفتیم: ای آدم، این شیطان دشمن تو و همسرت می‌باشد، شما را از بهشت بیرون نکند که دچار زحمت می‌شوی. (۱۱۷)

تو در بهشت نه گرسنه می‌مانی نه برهنه، (۱۱۸)

و دچار تشنگی و سوزش آفتاب هم نمی‌شوی. (۱۱۹)

اما شیطان او را وسوسه کرد و گفت: ای آدم، آیا میل داری تو را به درخت زندگی ابدی و فرمانروایی بی‌پایان راهنمایی کنم؟ (۱۲۰)

در نتیجه این وسوسه آدم و همسرش از آن خوردند و آلات جنسی آنها برایشان آشکار شد، بنابراین شروع کردند با برگ‌های بهشت آن را بیوشانند. آدم از فرمان خداوندش سرپیچی کرد و گمراه شد. (۱۲۱)

بعد خدا او را برگزید و توبه او را پذیرفت و او را هدایت کرد. (۱۲۲)  
خدا گفت: همگی از بهشت پایین بروید، بعضی از شما دشمن بعضی خواهید بود. چون از جانب من هدایتی برای شما بیاید، هر کس از هدایت من پیروی کند گمراه و بدبخت نمی‌شود. (۱۲۳)  
کسی که از تذکر من روگردان شود، زندگی سختی خواهد داشت و روز قیامت او را کور محشور می‌کنیم. (۱۲۴)

می‌گوید: خدایا چرا مرا کور محشور کردی در صورتی که من بینا بودم؟ (۱۲۵)  
خدا گوید: همان‌طور که وقتی آیات ما برای تو آمد، آنها را فراموش کردی، امروز هم تو فراموش می‌شوی. (۱۲۶)

ما کسی را که زیاده‌روی کند و به آیات خداوندش ایمان نیاورد، این‌طور مجازات می‌کنیم. قطعاً عذاب آخرت شدیدتر و پایدارتر است. (۱۲۷)  
آیا برای هدایتشان کافی نیست که متوجه شوند اقوام زیادی را پیش از آنان نابود کردیم، اقوامی که حالا این‌ها در خانه آنان راه می‌روند؟ در این‌کار نشانه‌هایی برای خردمندان است. (۱۲۸)  
اگر سخنی که خدا قبلاً گفته بود نبود و مدت معینی قرار داده نشده بود، عذاب لازم می‌شد. (۱۲۹)  
بر آنچه می‌گویند صبر داشته باش، و قبل از طلوع خورشید و قبل از غروب آن قسمتی از شب و اطراف روز با ستایش خداوندت او را تسبیح کن، شاید راضی شوی. (۱۳۰)  
به نعمت‌هایی که به عده‌ای از آنها داده‌ایم چشم ندوز. این‌ها زینت زندگی دنیاست تا آنها را با آن بیازماییم. روزی خدایت بهتر و بادوام‌تر است. (۱۳۱)  
خانواده‌ات را به نماز امر کن و بر آن پایدار باش. ما از تو روزی نمی‌خواهیم. روزی تو را هم ما می‌دهیم. عاقبت خوب مال پرهیزکاران است. (۱۳۲)  
گفتند: چرا پیغمبر برای ما معجزه‌ای از جانب خدایش نمی‌آورد؟ بگو: آیا در کتاب‌های گذشته دلیل روشن برای آنها نیامد؟ (۱۳۳)  
اگر ما قبل از فرستادن پیغمبر آنها را نابود می‌کردیم، حتماً می‌گفتند: خداوند، چرا پیغمبری برای ما نفرستادی تا قبل از این‌که دلیل و خوار شویم از آیات تو پیروی کنیم؟ (۱۳۴)  
بگو: همه منتظرند، پس شما هم انتظار بکشید. به زودی خواهید دانست که چه کسی اهل راه راست است و راه صحیح را شناخته است. (۱۳۵)